
احیاگری و اصلاح‌گری

برگرفته از دانشنامه اندیشه سیاسی اسلامی پرینستون

ابراهیم موسی و شیرعلی تارن

مترجم:
هادی مراب



عنوان و نام پدیدآور: احیاء گری و اصلاح گری: برگرفته از دانشنامه اندیشه سیاسی اسلامی پرینتون/ ابراهیم موسی و شیرعلی تارن؛ ترجمه هادی عرب.

مشخصات نشر: قم: نگاه هفتم، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۵۰ ص.

شابک: 978-622-95126-8-5

وضعیت فهرست نویسی: فیا

پادداشت: کتاب حاضر ترجمه بخش "and Reform: Islamic Political Thought Revival" از کتاب "an introduction: Islamic political thought" به ویرستاری "گرهارد بوورینگ" است.

موضوع: اسلام — تجدید حیات فکری

موضوع: Islamic renewal

موضوع: بازگشت به دین — اسلام

موضوع: Religious awakening — Islam

موضوع: اصلاح دین

موضوع: Reformation

موضوع: اسلام و سیاست

موضوع: Islam and politics

شناسه افزوده: بوورینگ، گرهارد، ۱۹۳۹ - م.، ویراستار

شناسه افزوده: Boewering, Gerhard, 1939 -

شناسه افزوده: عرب، هادی، ۱۳۵۹ -، مترجم

شناسه افزوده: Arab, Hadi

شناسه افزوده: موسی، ابراهیم

شناسه افزوده: Ebrahim, Moosa

شناسه افزوده: تارن، شیرعلی

شناسه افزوده: Tareen, SherAli K

رده بندی کنگره: ۲۲۹ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸

شماره کتاب شناسی ملی: ۵۷۳۱۲۷۹



انتشارات پگاه هفتم

احیاء گری و اصلاح گری

برگرفته از اندیشه سیاسی اسلامی پرینستون

ابراهیم موسی و شیرعلی تارن
مترجم: هادی عرب

چاپ اول: ۱۴۰۰

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۱۲۶-۸-۵

همه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

۷	پیش گفتار
۱۰	مقدمه
۱۵	اصلاح گری و مفهوم سنت
۲۲	اصلاح گری در دوران ماقبل مدرن
۳۰	اصلاح گری در دوران مدرنیته
۴۰	دیدگاه‌های معاصر درباره اصلاح گری
۴۹	نتیجه گیری

پیش‌گفتار

احیاء‌گری و اصلاح‌گری، واژگانی آشنا برای اندیشمندان فعال در عرصه دین و علوم انسانی در جامعه مسلمانان می‌باشند؛ در بیشتر موارد، این واژگان همراه با یکدیگر، و به‌منظور پیشرفت اهداف سیاسی و اجتماعی مسلمانان به کار رفته، و بیانگر مفهوم نو بودن و خلاقیت در راستای اصلاح و کمال جامعه بوده‌اند. بسیاری از متفکران مسلمان در دوره‌های مختلف درباره چگونگی ظهور و به‌کارگیری دین در عصر مدرن اظهارنظر کرده‌اند. ابراهیم موسی و شیرعلی تارن از جمله محققانی هستند که در این زمینه مقاله‌ای را با عنوان «احیاء‌گری و اصلاح‌گری» به رشته تحریر درآورده‌اند. این مقاله از مجموعه مقالات دانشنامه اندیشه سیاسی اسلامی پرینستون است که با نظارت علمی گرهارد بورینگ استاد دانشگاه ییل در سال ۲۰۱۳ از سوی انتشارات دانشگاه پرینستون چاپ و منتشر شده است.

نویسندگان در این نوشتار، ضمن بیان رابطه احیاء‌گری و سنت، نوسازی در دوران قبل از مدرن و نیز در دوران مدرنیته را واکاوی، و نظر برخی از اندیشمندان معاصر را نیز در این باره بیان

کرده‌اند. از منظر ایشان، احیاء گری و اصلاح گری جزء جدایی ناپذیر اسلام از زمان آغاز تا کنون بوده و پروسه‌ای خلاقانه و دینامیک، همراه با تغییر است. در این مسیر پرفراز و فرود، پروژه‌های متعدد احیاء گری در تاریخ اجتماعی و عقلانی اسلام، درباره مسائل مهمی همگرا یا واگرا شده‌اند و تقریباً همه حرکت‌های اصلاح گرایانه با گفتمان‌های اقتدارزا و مجموعه‌ای از دانش‌ها مانند قرآن، سنت و قوانین عرفی سروکار داشته‌اند؛ اما در فرآیند اصلاح گری در هر مقطع، بخش مختلفی از مسائل مورد اصلاح، مورد تأکید واقع می‌شوند. شبیه دیگر عرصه‌ها در اسلام، سنت اصلاح گری در میان مسلمانان نه یکپارچه، و نه قابل پیش‌بینی است؛ بلکه به‌طور دائم، بر اساس معانی خاص دانش و آرمان‌هایی، در مقاطع خاصی در تاریخ شکل گرفته و یا رها شده است.

این کتاب نیز بسان بسیاری از نوشتارهای ناظر به این عرصه، ضمن بیان برخی نکات مثبت و مفید، دارای کاستی‌های است که لازم است اندیشمندان این عرصه ضمن توجه به آنها، در جهت اصلاح آن بکوشند؛ برای مثال، دیدگاه‌های بسیاری از اندیشمندان فعال در این عرصه، به‌ویژه اصلاح‌گران شیعه را بیان نکرده، و تنها به موارد محدودی بسنده کرده‌اند؛ همچنین به حرکت‌های اصلاح‌گرایانه مهم که نتایج بسیار مهمی در عرصه سیاسی جهان

اسلام و حتی عرصه بین الملل داشتند، مانند شکل گیری انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره، هیچ اشاره ای نکرده اند. امید است علاقه مندان با تبیین، نقد و بررسی دیدگاه های مطرح شده در این ترجمه، بتوانند گام های مستحکم تری را در راستای گشودن مرزهای دانش و بیان حقایق بردارند و ضمن استفاده از تجربیات و دیدگاه های اندیشمندان عرصه های مختلف علمی، به ویژه در سپهر دینی، سیاسی و اجتماعی، بتوانند در گام دوم انقلاب اسلامی، فرآیند شکل گیری تمدن نوین اسلامی و حاکمیت علم دینی را در تمام ابعاد آن نزدیک تر سازند.

در پایان از اساتید ارجمند حجت الاسلام والمسلمین دکتر محسن رضوانی و حجت الاسلام محمد هادی مقدسی که زمینه انجام این کار را فراهم آوردند، کمال تشکر و قدردانی را دارم و توفیقات روزافزون ایشان را از خداوند متعال خواستارم.

پاییز - قم مقدس

هادی عرب

مقدمه

احیاء گری و اصلاح گری - تجدید و اصلاح - واژگانی هستند که به طور گسترده، برای طیفی از ادبیات نوشتاری و گفتاری مسلمانان به کار می‌روند. این واژگان در نوشتارهای ناظر به سنن نبوی، گفتارهای سیاسی، مباحث مربوط به شریعت و مسائل علمی یافت می‌شوند. در بیشتر موارد، این واژگان کلیدی از نظر معنا و فصاحت، در راستای نصایح اخلاقی، و به منظور پیشرفت اهداف سیاسی و اجتماعی مسلمانان به کار رفته‌اند. در طول زمان، این واژگان همراه یکدیگر به کار رفته، و بیانگر مفهوم نو بودن و خلاقیت (نوسازی و اصلاح گری) در راستای اصلاح و کمال جامعه (اصلاح و اصلاح گری) بوده‌اند. نوسازی و اصلاح، اهداف فردی یا اجتماعی و یا هر دو را در نظر می‌گیرند و با تغییرپذیری و تغییرناپذیری اندیشه مسلمانان سروکار دارند. در این چارچوب معنایی گسترده، دو چیز بیشتر جلوه‌نمایی می‌کند: مکتب سیاسی و انسجام آموزه‌های سنت. نوسازی و احیاء گری (تجدید) برگرفته از ریشه (ج د د)، به معنای نوساختن، خلاقیت و احیاء کردن است. چه‌بسا برخی اصلاح گری را گفتارانی برای ارتقا، بازیابی و بهبود

یافتن تلقی کنند. در واقع، اصلاح (بازیابی) از ریشه عربی (ص ل ح) و به معنای اصلاح کردن، ترمیم و ارتقا و بهبودی است.

متون موجود در منابع معتبر بیان می‌دارند که نوسازی صرفاً به معنای احیای ساحت سیاسی اجتماع و جامعه نیست؛ بلکه ناظر به بازسازی و احیای شکاف‌های اخلاقی موجود در نظامات اجتماعی نیز می‌باشد. این جنبه از رویکرد تجددگرایی، این طیف از مفاهیم را برای همه فعالان اجتماعی که به دنبال ارائه دستورالعمل‌هایی برای بهبود و ارتقای پیشرفت‌های سیاسی، معنوی و عقلانی در هر دو ساحت فردی و اجتماعی می‌باشند، جذاب و خوشایند ساخته است.

حدیثی مشهور منسوب به پیامبر ﷺ درباره نوسازی بیان می‌دارد: «خداوند در آغاز هر قرنی برای اصلاح دین (رفتارهایی برای رستگاری) امت پیامبری را ارسال می‌کند». حدیث دیگری می‌گوید: «خداوند متعال در آغاز هر قرنی رحمت و خیرخواهی خود را به مردم که به منزله بخشی از احیاگر دین الهی هستند، از طریق ارسال مردی از خانواده من نشان می‌دهد که دین را برای آنان تشریح می‌کند».

اما در درون مفهوم اصلاح و نوسازی، نوعی پارادوکس و تناقض نهفته است؛ مفهومی متناقض‌نما، با عنوان نوآوری

غیر مشروع (بدعت) که به نظر می‌رسد نتیجه‌ای نادرست از اصطلاح تازگی و خلاقیت ارائه می‌دهد. به‌طور کلی، حدیث نبوی، «هر نوآوری در دین باعث انحراف می‌شود»، چنین القا می‌کند که هرگونه نوآوری (بدعت) در دین ممنوع است. بدین‌سان، هر دگرگونی و تغییر در رفتارهای استاندارد هنجاری (سنت) و مفاهیم ناظر به آنها، به‌عنوان نوعی نقصان در برنامه سعادت انسان تلقی می‌شوند. از این منظر، حتی رفتارهای مکمل و جایگزین رفتارهای دینی که ریشه در شریعت و اخلاق اسلامی ندارند، پذیرفتنی نیستند. با گذشت زمان، نمونه جدید از رفتارهای دینی ارائه شد که البته در راستای کلی اهداف شریعت بودند. شوق و اشتیاق به‌وجود آمده برای احیاء گری و اصلاح گری از یک‌سو، و ممنوع بودن بدعت در آموزه‌های دینی از سوی دیگر، به توضیح نیاز دارد؛ این دو مقوله مفهومی در تقارن با یکدیگر نیستند، بلکه رابطه‌ای دوسویه و متقابل با یکدیگر دارند. نوسازی و اصلاح گری، وعده‌های خوشبختی برای ادامه بهتر جامعه ایمانی خدایی است. این آینده‌نگری به‌وسیله سنت نبوی پایدار نگه داشته شده است: «مثال امت من بسان باران است که مشخص نیست چه هنگامی شروع به باریدن می‌کند و چه وقت پایان می‌یابد». اسلام شیعی اثنی‌عشری از این منظر بسیار شبیه مسیحیت است که منتظر

بازگشت رهبری سیاسی - معنوی امامی هستند که در دوران غیبت است؛ فردی که دین و سنت جدیدی نمی‌آورد، بلکه سنت جدش را احیا می‌کند. اما اندیشه اهل سنت که کمتر شبیه مسیحیت است، بیشتر ریشه در تفکر نوسازی در هر صد سال دارد. این دو رویکرد، به همراه احساس ناراحتی از این مسئله که اسلام ناب در جهان غریب است، مکتب سیاسی اهل سنت را تشکیل داده است.

به عقیده نظریه‌پرداز معاصر، جان اسمان، مکتب سیاسی «هر گونه تغییر رابطه بین جامعه سیاسی و نظم دینی، و به تعبیر ساده‌تر بین قدرت (یا اقتدار) و دستگاهی است». برخی اندیشمندان مسلمان مانند ماوردی دیدگاهی مشابه را بیان کرده‌اند که البته تا حدودی متفاوت از منشور رهبری و حکومت است. «رهبری (امامت) به منظور اجرای رسالت نبوی، از طریق حفظ دین و مدیریت امور دنیایی طراحی شده است». البته از منظر این اندیشمندان، نوعی همبستگی بین آموزه‌های دینی و نظام سیاسی وجود دارد؛ اما آنچه مکتب سیاسی مسلمانان را بسیار متفاوت از مسیحیت ساخته، رابطه نزدیک و درهم‌تنیده نظام سیاسی اعتقادی اسلام با مسئله نبوت و پیامبری است. با وفات حضرت محمد ﷺ، مسئولیت مأموریت او بر عهده کسانی نهاده شد که به عنوان

حافظان دانش نبوی انتخاب شده بودند. با توجه به اینکه «رستگاری» بنیان اساسی اندیشه اسلامی بود، دین بخش جدایی ناپذیر وحی لحاظ می شد. ویژگی شبه مقدس بودن سنت نبوی، موقعیت و قدرت علما را به عنوان واسطه های که این سنن را آموخته اند، یکی پس از دیگری افزایش داد. در اسلام، عالمان به عنوان وارثان راستین پیامبر تلقی می شوند. برخی جملات منتسب به پیامبر بیانگر آن است که علما «به مثابه پیامبران در میان اقوام بنی اسرائیل هستند». با توجه به یکسان تلقی کردن علما و پیامبران از زمان های دور، قدرت و مرجعیت در سنت، جزء لاینفک مکتب سیاسی شیعه به شمار می آیند. با توجه به این جایگاه رفیع و والا، آداب و رسوم نیز که آنها به تفسیر و تبیین آن می پردازند، جایگاهی رفیع و شبه مقدس می یابند.

مسئله دیگر اینکه، پیامبر در اسلام دو جایگاه داشت که مطابق با دو نقش اصلی وی در این دنیا بود؛ نخست جایگاه سیاسی او به منزله پیامبر خدا و کسی که نظامی سیاسی را برای اجرای امور برپا ساخت؛ دوم جایگاه اخلاقی ایشان در مقام معلم حکمت و اخلاق (یعلمهم الكتاب و الحکمه) که زندگی او (سنت نبوی) به منزله منبع و معیاری برای تقلید مسلمان به شمار می آید. پس از وفات محمد ﷺ، نقش سیاسی او به طور مداوم با مفهوم خلافت در

اهل سنت و امامت در شیعه، و جایگاه علمی وی از طریق سنت علمی اسلامی ادامه یافت.

اصلاح گری و مفهوم سنت

اصلاح گری در میان اندیشمندان مسلمان و جریان‌های اجتماعی در مفاهیم متعددی به کار رفته است. در این میان، چند پرسش مطرح است: مسلمانان برای اصلاح و احیا چه کارهایی در طول زمان انجام داده‌اند؟ هدف از اصلاح گری و احیاء گری چیست؟ آیا در اثر گذشت زمان، این دو رویکرد تشدید شده است و عملکردهای متفاوتی را در فواصل مختلف در تاریخ مسلمانان ارائه داده‌اند؟

هر گونه برداشت و فهمی از اصلاح گری رابطه‌ای نزدیک با سنت دارد. اصلاح سنت به معنای بازیابی آن به منظور توان بخشی و کاربردی ساختن آن بر اساس مفهوم اولیه‌اش است. اگر سنت به عنوان یک بحث اخلاقی ادامه دار تلقی شود که مقتدرانه با پیشینه جامعه در گذشته و وضعیت حال و آینده آن در ارتباط است، اصلاح گری پروسه بازیابی آن سنت است که به طور همزمان از تکرار پیوسته آن و نیز نوآوری و نوسازی آن حمایت می‌کند. بنابراین، اصلاحات در اسلام، یک مفهوم یا سیری واحد نداشته است. پیش فرض‌های مدرنیست‌ها درباره اصلاح گری،